تهافت‌هایی در تفسیر روایت «سبعة احرف»

در حدیث معروف «سبعة احرف» که از اول بوده، چهل معنا، سی و پنج معنا و هفتاد معنا گفته‌اند. یک معنا را ابو عبید قاسم بن سلام در فضائل القرآن آورد؛ او گفت «سبعة احرف» یعنی «سبعة لغات متفرقة فی القرآن». مثلاً در قرآن لغاتی می‌بینید که از تمیم است. یک لغت دیگر می‌بینید که از قریش است. لغاتی که ربطی به هم ندارند. «علی سبعة احرف» یعنی در قرآن شما هفت لغت می‌بینید اما متفرق. این را ابوعبید گفته است. عده‌ای هم می‌گویند «سبع معان». آن هم یک چیز دیگری بود.

در «سبع معان» بین خودشان اشکال کرده‌اند به اینکه شما که سنی هستید. در صحیح بخاری و کتاب‌های دیگر، مهمترین حدیث «سبعة احرف» منازعه خلیفه دوم با هشام است. می‌گوید یقه او گرفتم و به محضر حضرت بردم. وقتی در صحیح ترین کتاب هایشان به نقل های زیادی آمده، آنها در مقابلش تسلیم هستند. می‌گویند شما می‌گویید «سبعة احرف» یعنی «سبع معان»، آن وقت عمر با هشام به‌خاطر «سبع معان» دعوا کرد؟! اینکه معقول نیست. این حدیث در آنها است.

خُب بعد چه کسی آمد؟ ابوعبید گفت یعنی «سبع لغات»، اما متفرقه. طبری گفت آقای ابن سلام تناقض می‌گویی؟! در همین کتاب خودت معنا می‌کنی به «سبع لغات متفرقه» بعد روایت می‌آوری که هشام و عمر دعوایشان شد؟! اگر «سبع لغات متفرقه» در قرآن بود که این دو دعوایشان نمی‌شد. یعنی طبری حرف ابوعبید را به استخوان کتاب خودش در می‌کند. می‌گویی تو در کتاب خودت با مختار خودت تناقض گفته ای. این جور نیست. طبری مختار دیگری را انتخاب کرد. گفت نه، «سبعة احرف» در یک آیه و در لغت واحد است اما مرادف. مانند «هلّم، اقبل،... ». موسع بود. «سبعة احرف» به این معنا است. خُب مکی بن ابیطالب می‌گوید آقای طبری خودت در کتاب خودت تناقض گفته ای. چرا؟ در فدکیه عنوانی هست. نقد مکی بن ابیطالب بر طبری. منظور من این است که مکی بن ابیطالب می‌گوید طبری خودش را نقض کرد –طبری ناقض نفسه- قول او را هم کنار می‌گذارد و خودش یک مختاری دارد.

بازبینی #2
ایجاد شده 12 ژوئن 2024 11:46:40 توسط ... .
به روزرسانی شده 20 ژوئن 2024 10:04:29 توسط ... .